

▼ دولت چهاردهم و اقتصاد

اقتصاد ایران در دولت چهاردهم در شرایطی روی کار آمده که چنین وضعیتی وجود دارد؛ شرایط جدید اسرنایل هم اکنون در کشور مشکل ساز شده است؛ به همین دلیل این معجزه است که تا این لحظه دلار ۲۰۰ هزار تومان نشده است. این نشان می دهد که همچنان مردم اطمینان دارند و عدم تمایل شان به جنگ را نشان می دهند. البته اطمینان، زمانی رخ می دهد که فرد تصمیم می گیرد در جایی سرمایه گذاری کند. تا زمانی که سرمایه گذار حاضر به سرمایه گذاری باشد، یعنی در کشور اطمینان وجود دارد. او معتقد است؛ اگر وفای به افق انجام نشود، بی سرانجام است؛ ما زمانی می توانیم بگوییم وفای جواب داد که رئیس جمهور هم در سطح گروه های سیاسی و مقامات وفای ایجاد کند؛ سطوح عالی سیاسی باهم توافق کنند با جامعه وفای کنند. اکنون اصلان نشانهای از وفای مردم با حکومت وجود ندارد. اگر قرار است که وفای شکل بگیرد پس باید با مردم دوستی کنید. باید از دست خودی و ناخودی کردن برداشت. حاکمیت باید مشخص کند که آیا حقوق خارجیان را به رسمیت می شناسد؟ بنابراین افق زمانی پدیدار می شود که وفای از سطح سیاسی به جامعه منتقل شود.

رنانی اظهار کرد: وفای سه سطح دارد: یکی «وفای همه با من»، یکی «وفای همه باهم» و دیگری «وفای من با همه». حکومت باید تکلیف خود را روشن کند و توضیح دهد کدام یک از این سطوح را وفای می داند. این اولین گامی است که باید برداشته شود. اگر ساختار سیاسی به سمت وفای «همه با هم» نرسد، کارآفرین هم از سطح اکت معنایی خارج نمی شود؛ زمانی وفای «همه با من» ممکن است که ثبات باشد و افق اقتصادی در کشور روشن باشد در واقع زمانی این امر رخ می دهد که اعتماد همه با همه به وجود بیاید. در این زمان وفای با من هم جواب می دهد. یا مردم با طیب خاطر با حکومت وفای کنند یا خودشان به دلیل ارتقای وضع خودشان مجبور شوند وفای کنند. این که تا زمانی که آمریکا مشخص نکند قرار است تحریم ها را بردارد یا نه، کشور منتظر می ماند، نشان دهنده وفای در آمریکاست. برخی با طیب خاطر مانند اروپایی ها و برخی مانند چینی ها با اجبار وفای کرده اند. وفای «همه با هم»، در شرایطی که افق خاکستری است، به وجود نمی آید. می توان پرسید که همه باهم نفع می برند اگر شب را به صبح برسانند؟ پاسخ این است که در زمانی که شب شده و تاریک است؛ من باید با همه وفای کنم تا در تاریکی گم نشوم. اکنون جامعه ما در شرایط افق خاکستری است و نمی توانید بگویید که در سطوح عالی وفای کردیم. در چنین وضعیتی هم وفای همه با من، جواب نمی دهد. دولت باید با همه آن مقامات سیاسی که پیش از این وفای کرده، رایزنی کند و توضیح دهد که مردم باید به عرصه بیایند چرا که نیاز به وفای مردم و وفای همه با هم هست. این نوع وفای همه جا را نورانی می کند و مانند زمانی که هزاران نفر گمشده در یک جنگل چراغ قوه را روشن کنند و همه جا روشن شود.

داستان این است که منابع رانت ته کشیده است؛ ما دو دسته رانت داریم، رانت طبیعی و قانونی. منابع رانت طبیعی تمام شده و رانت قانونی مانده است. این رانت تا زمانی جواب می دهد و حد

دارد. رانت طبیعی حد نداشت و همه از نفت استفاده می کردند اما رانت قانونی حد دارد؛ به محض اینکه گروهی از آن استفاده کنند گروهی دیگر سر می آورند و حاکمیت مدیریت کند.

هنوز قصه وفای خلق نکرده است. خدا هم زمانی که انسان را آفرید؛ ابتدا قصه انسان را آفرید و ملائکه قصه آدم را باور کردند. قصه خلق شد و بازیگرها چیده شدند، بعد آدم و حوا خلق شدند؛ هیچ نوآوری ای خلق نمی شود مگر اینکه قصه خلق شود. نسل پدران ما شیفته قصه انقلاب شدند که دست به انقلاب زدند. قصه آن است که در جامعه دهن به دهن بچرخد. اگر همه ما اینجا نشسته ایم، به دلیل این است که فردوسی قصه ما را خلق کرده است. ما تا ۲۰۰ سال پیش با قصه فردوسی زنده ماندیم، تصور می کردیم حکومت های ما همان حکومت ها در شاهنامه است. ما با آرش زنده بودیم اما آرش همان قصه فردوسی بود وگرنه آرش وجود نداشت. کوروش را اروپایی ها کشف کردند و حالا قصه کوروش تبدیل به قصه سلطنت طلب ها شده است. اتفاقاً این قصه، داستان خوبی هم دارد و باید از آن استفاده کرد.

رنانی منظور خود از قصه را چنین توضیح داد: منظور از قصه این نیست که دروغ باشد. مثلاً قصه پیامبر، عشق انسان به خداست و پیامبر ابتدا قصه خود را خلق کرد. بعد این قصه را به جامعه منتقل کرد. امکان ندارد در جامعه رخدادی اتفاق بیفتد بدون اینکه قصه آن خلق شود. هر کس فکر می کند آینده این کشور و نظام باید حفظ شود باید قصه وفای را خلق کند. تک تک ما در به وجود آوردن این قصه مسئولیت داریم. برخی از قصه ها تبدیل به فیلم و برخی فیلم ها تبدیل به واقعیت می شوند. پس قصه ها خلق می شوند که با حضور بازیگران نوشته شود همان قصه ای که خدا با حضور ملائک و انسان نوشت و خلق شد. قصه وفای باید با حضور همه گروه های مدنی در ایران و همچنین تمام ایرانی ها مانند کرها، سیستان و بلوچستانی ها و متفکران و معترضان نوشته شود. صحنه باید باشد که قصه نوشته شود؛ نمی توان ۹۰ درصد بازیگران را حذف کرد و حرف از وفای زد. برای باورپذیرتر کردن قصه باید همه در نوشتن قصه مشارکت کنند و قصه وفای تبدیل به قصه کوروش شود. اکنون کسی جرأت ندارد قصه کوروش را نفی کند. ملت های توسعه یافته

ملت هایی هستند که مدام قصه های تازه خلق کردند و مهارت خلق قصه جمعی دارند؛ خلق قصه ای که بازیگران امروز در قصه باشند مهم است. اروپا از زمانی متحول شد که روحانی ها جمع شدند و قصه کتاب مقدس را از نو نوشتند تا پیش از آن کتاب مقدس، کتابی بود که پاپ تفسیر می کرد و هیچ کس حق نداشت خلاف آن کتاب، قصه بنویسد. از رنسانس به بعد مومنان این قصه را تفسیر کردند. مارتین لوتر کینگ بارها گفته که هر کس باید خودش کتاب مقدس را بخواند و خودش هر چه فهمید را عمل کند تا به بهشت برود. بنابراین کسی به بهشت می رود که باسواد باشد و ۲۵۰ سال قبل در پروس نرخ باسواد در آلمان ۹۰ درصد شد. ما تا قبل از انقلاب نرخ سوادمان زیر ۵۰ درصد بوده است و ۲۵۰ سال قبل قصه در اروپا عوض شد و زنان بیشتری آموزش دیدند که بهشت بروند. این قصه رمز توسعه اروپا بود. تا پیش از این گفته مارتین لوتر، نرخ باسواد در اروپا در ۶ هزار سال، تنها یک درصد بود و به همان میزان که جامعه به نچار نیاز داشت به تنها یک درصد مردم با سواد هم نیاز داشت. از زمانی که بیانیه مارتین لوتر فرمائی صادر کرد نرخ باسواد برخی از کشورهای اروپایی به ۹۰ درصد رسید. او قصه را عوض کرد؛ قصه این بود که انجیل کتابی است که مسیح آورده و پاپ باید بخواند و تفسیر کند؛ در حالی که مارتین لوتر می گفت کتاب را مسیح آورده و قرار است هر کس بخواند و خودش به بهشت برود. کلیسا روایت و قصه را عوض کرد و تاریخ اروپا عوض شد. جمهوری اسلامی هم بدون قصه وفای از این بحران خارج نخواهد شد.

رنانی در پایان یادآوری کرد: داستان این است که منابع رانت ته کشیده است؛ ما دو دسته رانت داریم، رانت طبیعی و قانونی. منابع رانت طبیعی تمام شده و رانت قانونی مانده است. این رانت تا زمانی جواب می دهد و حد دارد. رانت طبیعی حد نداشت و همه از نفت استفاده می کردند اما رانت قانونی حد دارد؛ به محض اینکه گروهی از آن استفاده کنند گروهی دیگر سر می آورند و حاکمیت نمی تواند این بازی را مدیریت کند.

برش

پیامی به پزشکیمان

محسن رنانی، اقتصاددان و عضو شورای راهبری

پس از پیروزی مسعود پزشکیمان در انتخابات، خطاب به رئیس جمهور نوشت

در هنگام بررسی نامزدهای وزارت نیرو در شورای راهبری، برخی مدیران با سابقه و بزرگان جلسه اصرار داشتند که در حوزه برق ما اکنون با ناترازی بزرگی روبه رو هستیم که در فصل گرما موجب چندین ساعت قطعی برق، در هر روز، در بخش تولیدی کشور شد؛ پس باید یک فدر پرتجربه و استخوان خرد کرده که سابقه وزارت داشته باشد وزیر نیرو شود تا بتواند به فوریت برای ناترازی فکری کند و مثلاً ظرف دو سه سال چندین نیروگاه برق را راه اندازی کند. بنابراین اصرار بر این بود که حوزه نیرو جای جوان بازی نیست و ریسک نباید کرد. پاسخ ما این بود: مشکل وزرای سالخورده و استخوان خرد کرده این است که می کوشند در همان پارادایم و الگوهای فکری قبلی، بحران برق را حل کنند؛ همان الگوهای فکری که خودشان بحران امروز را خلق کرده اند. چنین وزیری دوباره می رود و به سرعت به ساخت نیروگاه هایی مجوز می دهد که با سوخت گاز یا سوخت مازوت کار می کنند، چون می خواهد به سرعت نشان دهد که توانست ناترازی را حل کند. فرض کنیم که با وجود تحریم ها، در تأمین منابع مالی و در تأمین تجهیزات نیروگاه ها نیز مشکلی نداشته باشند؛ آنگاه ما سه سال دیگر مثلاً ده نیروگاه بزرگ جدید ساخته ایم که وارد مدار می شود. اما چه می شود؟ حاصل آن نیروگاه ها می شود فشار بیشتر بر مصرف گاز و تشدید بحران کمبود گاز. آنگاه در گام بعدی به علت قطعی گاز به آن نیروگاه ها اجازه می دهند که با مازوت کار کنند؛ یعنی تشدید آلودگی هوای شهرها که هم اکنون نیز از آستانه بحران گذشته است. پس ما از هم اکنون باید وزیری جوان و دانشمند و پراترزی، با تخصص در حوزه انرژی های پاک و تجدیدپذیر انتخاب کنیم که بتواند الگوی تولید برق ایران را از روش سنتی (سوخت فسیلی) به روش مدرن (سوخت های پاک) متحول کند. وزیر انرژی باید بتواند با افق گشایی و تغییر الگوهای فکری در حوزه انرژی، «اتفاق» تازه ای را در این حوزه رقم بزند وگرنه بحران روزبه روز تشدید خواهد شد. تقریباً همین داستان را درباره همه وزارت خانه های دیگر داشته ایم. اما نهایتاً آنچه رقم خورد این بود که با بحث های جدی که شد تقریباً این توافق حاصل شد که در تمام وزارتخانه ها در کنار نیروهای استخوان خرد کرده و سالخورده، نیروهای جوان و خوشفکر و

فعالان خصوصی



تأمین ارز واردات در کانال ۹/۴۰ میلیارد دلار

بانک مرکزی از اول فروردین ماه تا ۹ آبان ماه امسال، ۴۰ میلیارد و ۹۱۳ میلیون دلار ارز برای واردات کالاهای اساسی، دارو، کالاهای تجاری و بازرگانی، واردات در مقابل صادرات و خدمات تأمین کرده است. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، در این مدت برای کالاهای اساسی و دارو ۸ میلیارد و ۸۱۴ میلیون دلار، برای کالاهای تجاری و بازرگانی مبلغ ۲۲ میلیارد و ۲۵۶ میلیون دلار، برای خدمات ۹۰۳ میلیون دلار و برای واردات در مقابل صادرات ۸ میلیارد و ۹۴۰ میلیون دلار تأمین ارز صورت گرفته است. بر اساس این گزارش، بانک مرکزی برای واردات کالاهای اساسی و کشاورزی شامل گندم، دانه های روغنی و نهاده های دامی ۶ میلیارد و ۹۲۶ میلیون دلار و برای دارو، مواد اولیه دارویی و تجهیزات پزشکی ۱ میلیارد و ۸۸۸ میلیون دلار ارز تأمین کرده است.



شرایط جدید دریافت خسارت افت قیمت خودرو

دستورالعمل شیوه محاسبه و پرداخت خسارت افت قیمت وسایل نقلیه ناشی از حوادث رانندگی از محل بیمه شخص ثالث در جلسه شورای عالی بیمه تصویب شد. به گزارش تسنیم، طبق دستورالعمل ابلاغی بیمه مرکزی، از این پس شرکت های بیمه شخص ثالث موظف هستند خسارت افت قیمت وسایل نقلیه موتوری را بدون دریافت هزینه اضافه پوشش دهند. در سنوات گذشته بحث افت قیمت به شکل موردی و پس از شکایت بیمه شده به مراجع قضایی، توسط شرکت های بیمه پرداخت می شد. افت قیمت خودرو، چالش مهمی است که سال هاست مردم هنگام تصادفات رانندگی با آن مواجه هستند ولی تاکنون متولیان صنعت بیمه راهکاری برای آن در نظر نگرفته بودند، اما طبق دستورالعمل جدید، مردم می توانند با همان بیمه نامه شخص ثالث و بدون پرداخت هزینه اضافی نسبت به دریافت خسارت افت قیمت خودرو اقدام کنند.



وام میلیاردی بیمه مرکزی

همزمان با انتشار خبرهایی مبنی بر پرداخت وام ۱/۸ میلیاردی توسط بیمه مرکزی به کارمندان خود، این شرکت اعلام کرد: تسهیلات پرداختی به کارکنان صنعت بیمه و نهاد ناظر آن در چارچوب مقررات بالادستی و مصوبات شورای پول و اعتبار پرداخت می شود. به گزارش تسنیم، طی روزهای اخیر برخی منابع خبری از پرداخت وام ۱/۸ میلیاردی بیمه مرکزی به کارمندان خبر داده بودند که این موضوع با واکنش بیمه مرکزی همراه شد. بیمه مرکزی در همین ارتباط با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد: «فرایند و میزان پرداخت تسهیلات به کارکنان نهادناظر صنعت بیمه منطبق بر قوانین بالادستی و مصوبات شورای پول و اعتبار صورت می گیرد.» بر اساس این گزارش، آنچه که در صورت های مالی بیمه مرکزی منتشر می شود در حقیقت مانده کل اصل و سود مطالبات بیمه مرکزی بابت تسهیلات اعطائی به همه کارکنان و همه بازنشستگان این سازمان است.